

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسعد ابوخلیل
برگردان و یادداشت از: سایت تدارک
فرستنده: علی مشرف
۳۰ دسمبر ۲۰۱۹

نقش ناشناخته آمریکا در بحران لبنان

اکثریت طبقه حاکم فاسد لبنان، دست نشانندگان آمریکا و عربستان سعودی اند، نه ایران. این حقیقتی است که برای رسانه های غربی بیش از حد در دسترس است که بخواهند به آن اشاره کنند.

یادداشت سردبیر:

این دومین مقاله ای است که از اسعد ابوخلیل در زمینه تحولات لبنان منتشر می کنیم. ابوخلیل در این مقاله نیز همان خطوط کلی ارزیابی را ارائه می دهد که در تمام دوره پس از عروج اعتراضات در لبنان به آن مشغول بوده است. دستگاه تحلیلی ابوخلیل و مفاهیم مورد استفاده وی (از قبیل کشورهای سوسیالیستی عربی) البته متفاوتند. اما دریافت وی از تناقضی که در جنبش اعتراضی لبنان نیز آشکار گردیده است، دریافتی است مبتنی بر واقعیت. تلاش آمریکا و متحدین و دست نشانندگان داخلی آن در لبنان برای از کار انداختن دولت و ظاهر شدن در نقش ضد سیستمی که خود به وجود آورده اند، آشکارا با هدف بیرون راندن حزب الله از مواضع قدرت کنونی اش دنبال می شود. جنبش اعتراضی برای طراحان چنین سیاستی در حکم ابزاری برای رسیدن به این هدف است. اما دقیقاً در همین استفاده ابزاری است که این نیروی ارتجاعی در حال تقویت جنبشی است که از قضا پایه های سلطه همان نیرو را نیز هدف قرار داده است و چه بسا در انکشاف خویش و تعمیق مطالبات طبقاتی اش، کل آن نظم مسلط را نیز به مخاطره اندازد. دقیقاً در همین تعمیق مطالبات طبقاتی است که جهتگیری جنبش اعتراضی در لبنان نیز هر چه بیشتر عبارت پردازی های گنگ و مبهم "مبارزه با فساد" را پشت سر خواهد گذاشت و به سمت جدال طبقات فرودست با طبقات حاکم سوق پیدا خواهد کرد. این هم پاشنه آشیل ارتجاع امریکائی-عربی است و هم شمشیر داموکلسی بر فراز سر حزب الله که به عنوان نیروی حافظ سیستم در مقابل آنارشی ارتجاعی هر چه بیشتر در جلد دفاع از نظم طبقاتی غیر قابل دفاعی فرو می رود. در لبنان این تناقض روشن تر به چشم می خورد. اما چنین تناقضی محدود به لبنان نیست. در ایران و همچنین در عراق نیز همین است. البته با تفاوتی چندانی که در توزان قوای متخاصم. تناقضی که حاصل جدال دو جنبش تاریخساز دوران معاصر است که در خاورمیانه به این شکل ظهور می کند اما نه در سایر نقاط جهان. البته تصادفی نیست که در دورترین نقطه شرق، در هنگ کنگ، عصاره نظم رو به زوال و در حال مرگ جهان پسا جنگ سردی با حدت و شدت بیماری در حال مرگ اینچنین به مقاومت در برابر پایان دوران شیرین انقلابات رنگی می پردازد و در همان حال و

همزمان در دورترین نقطه غرب، در چیلی و ارجنتاین، طلایه های جنبش سازنده آینده، به پیرایش یافته ترین شکل تاکنونی اش ظاهر می شوند. خاورمیانه برزخی است در میانه آن شرق دور دوزخی و آن غرب دوری که نوید بهشت آینده را به همراه می آورد. پرسش این است که خاورمیانه این برزخ را به کدام سو و با چه بهائی ترک خواهد کرد. پرسشی تعیین کننده، نه فقط برای خاورمیانه، بلکه حتی برای دوران معاصر.

نه تنها در رسانه های غربی بلکه حتی در رسانه های لبنان نیز، نقش امریکا در میان تمام عوامل ایجاد کننده بحران لبنان، کمتر شناخته شده است.

"بحران لبنان" را در "اخبار" گوگل جست و جو کنید و احتمالاً تیتیر خبری را نخواهید یافت که به امریکا اشاره کرده باشد. جست و جوی هدفمندتری از "دخالت امریکا در بحران لبنان U.S. interference in Lebanon crisis" داستانی از رویترز [۱] را نشان خواهد داد که چنین ایده ای را ارائه می دهد، اما نه به عنوان یک امر پیش داده طبیعی بلکه به عنوان یک اتهام منفرد: حزب الله امریکا را به دخالت در بحران لبنان متهم می کند.

تا آنجائی که اصلاً تاریخ اخیر لبنان توسط رسانه های خبری مطرح شود، گفته خواهد شد که لبنان همواره عرصه دخالت خارجی بوده است و سیستم فرقه ئی از قرن نوزدهم تاکنون حامیان خارجی متعددی را (به دخالت در لبنان) دعوت کرده است. اما نقش همه آنها در کنار نقش امریکا در لبنان، به میزان بسیار زیادی، کوچک و بی اهمیت است. انتشار اسناد دیپلماتیک و یکی لیکس از خاورمیانه [۲] فاش کرد که سفیر سابق امریکا، جفری فلتن تا چه حدی رهبر واقعی جنبش ۱۴ مارچ بوده است، جنبشی که در واقع ائتلاف هواداران سعودی است که بعد از ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵ (یک شبه) شکل گرفت.

نقش امریکا در لبنان از جنگ جهانی دوم به این سو از همه برجسته تر بوده است. بحران سوئز در سال ۱۹۵۶ - زمانی که انگلستان، فرانسه و اسرائیل به مصر حمله کردند و پس از آن رئیس جمهور آیزنهاور مجبورشان کرد که از مصر بیرون بروند - نشان از تصدیق اروپا بر به ارث بردن نقش فرانسه و انگلستان در منطقه شام توسط امریکا داشت. نقش امریکا در بحران ۱۹۵۸ لبنان [۳] (در حقیقت یک جنگی داخلی در ابعاد کوچک) نقشی تعیین کننده در حمایت از عامل دست راستی اش، رئیس جمهور کامل شمعون، کرد. همانگونه که جیمز استوکر در کتاب اخیرش به نام "حوزه های دخالت" Spheres of Intervention بیان می کند، همین رئیس جمهور بعدتر - به عنوان رهبری شبه نظامی - در طول سالهای جنگ داخلی ۱۹۷۵-۱۹۸۲ از امریکا حمایت دریافت کرده است. پس از اتمام دوران شمعون در ۱۹۵۸، امریکا بر سر روی کار آمدن جنرال ارتش لبنان، فواد شهابی، با رئیس جمهور مصر جمال عبدالناصر به توافق رسید.

ابزار سیاست های جنگ سردی امریکا

دولت لبنان و سرویس های اطلاعاتی آن همچنین به عنوان ابزار سیاست خارجی امریکا در طول جنگ سرد خدمت کرده اند. آرشیوهای فرید شهاب، که سالها مسؤول تشکیلات امنیت عمومی لبنان بوده است، نشان می دهد که تا چه حدی سرویس های اطلاعاتی لبنان، به وضوح به دستور قدرتی خارجی، مشغول جاسوسی کردن میان کمونیست های محلی بوده اند.

امریکا مصر به حفظ سیستم سرمایه داری لبنان بود و از تصویب قانون حفظ اسرار بانکی در دهه ۵۰ میلادی حمایت کرد که استفاده سرویس های اطلاعاتی غربی از بانک های لبنان و وارد کردن سرمایه از کشورهای سوسیالیستی عربی

را مجاز می‌کرد. این قانون حفظ اسرار بانکی همچنین به سیاست مداران فاسد اجازه داد تا بدون امکان حساب رسی، آنچه که از خزانه های دولتی دزدیده بودند، برای خود ذخیره کنند.

امریکا با حمایت خود از شبه نظامیان دست راستی، در جنگ علیه چپ گرائی در لبنان و پس از ۱۹۶۷ در جنگ مشترک با اسرائیل علیه مقاومت فلسطین در لبنان دخیل شد.

به واسطه کتاب "حوزه های دخالت" جیمز استوکر، از نقش اساسی امریکا در جبهه شبه نظامیان فرقه ای دست راستی فالانژها (الکتاب) و ببرها (نمور الأحرار)، چیزهای بسیاری می‌دانیم.

منفعت واشنگتن در لبنان پس از ۱۹۸۴ رو به افول گذاشت. یعنی زمانی که نیروهای امریکائی پس از ناکامی در سرپا نگه داشتن رژیم فالانژهای آمین جمیل که در حمله اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به ریاست جمهوری گماشته شده بود، ناچار به خروج (از لبنان) شدند. البته امریکا از لبنان تماماً بیرون نرفت اما شبکه پنهانش در لبنان با ربودن ویلیام باکلی، رئیس ایستگاه سازمان سیا، به شدت ضربه خورد.

در سال ۱۹۹۰، امریکا و رژیم سوریه به تفاهم متقابلی رسیدند که طی آن دست رئیس جمهور سوریه حافظ الاسد در لبنان باز گذاشته شد. در عوض، الاسد لبنان را مجبور کرد که در کنفرانس مادرید [۴] و بعدتر در مذاکرات دو جانبه لبنانی- اسرائیلی در واشنگتن - درحالی که اسرائیل همچنان لبنان را اشغال کرده بود - شرکت کند.

در این مدت امریکا از طریق شبکه ای از سیاست مداران فاسد محلی، حضور قوی خود را در لبنان حفظ کرد (هیچ کس مانند سفير سابق امریکا در لبنان، فلتمن، در شهادت دو هفته پیش خود در مقابل کنگره [۵] تلویحاً به این اشاره نکرده که مبارزه با فساد در لبنان به از دست دادن آدم هائی منجر می شود که امریکا سالها با آنها کار کرده است). برخی از این سیاست مداران فاسد، مثل ولید جنبلاط آشکارا بی پرنسیپ، برای چندین قدرت خارجی خوش خدمتی کرده اند: لیبیای قذافی، رژیم سوریه، کشورهای خلیج و قدرت های غربی. اما اکثریت طبقه حاکم فاسد لبنان، دست نشانندگان امریکا و عربستان سعودی اند، نه ایران. این حقیقتی است که برای رسانه های غربی بیش از حد دردرساز است که بخواهند به آن اشاره کنند.

فشار بر ریاست جمهوری لحد

پس از این که امیل لحد در سال ۱۹۹۸ به ریاست جمهوری رسید، امریکا از وی فاصله گرفت. خلاف رئیس جمهور قبلی، الباس الہراوی، لحد فاسد نبود و علناً از مقاومت لبنان علیه اشغال لبنان توسط اسرائیل پشتیبانی می کرد.

امریکا با ترکیبی از تمهیدات و سیاست ها به دولت لحد پاسخ داد. آنها به خطوط هوائی لبنان MEA اجازه پرواز به امریکا را ندادند و ازین مسأله به عنوان اهرمی برای تحت فشار گذاشتن لبنان برای رسیدن به توافقی تحقیرآمیز با اسرائیل استفاده کردند. (امریکا لبنان را مجبور کرد تا در سال ۱۹۸۳ قرارداد صلحی با اسرائیل امضاء کند، قراردادی که در سالهای بعدتر لغو شد و امریکا همچنان امیدوار به بستن قرارداد دیگری است).

امریکا همچنین هیچ گونه کمک نظامی به ارتش لبنان نکرد (البته بعد از سال ۲۰۰۵ با فناوری نظامی قدیمی و بی اهمیت کمک کردند). و همزمان که امریکا به حمایت از اشغال و وحشی گری اسرائیل در لبنان ادامه می داد، همزمان به شکل نچندان پنهانی مشغول حمایت از اپوزیسیون لبنانی مخالف با تسلط سوریه در لبنان نیز بود. اواخر دوره دولت بیل کلینتن امریکا پس از آن که موفق به جوش دادن توافق صلح سوریه-اسرائیلی نشد، دشمنی بیشتری را نسبت به لبنان و نقش سوریه در لبنان نشان داد.

از زمان جورج دبلیو بوش به بعد، تمرکز بر لبنان در سیاست های امریکا در خاورمیانه دوباره احیاء شد. امریکا در حال ساخت مجتمع سفارتی میلیارد دلاری جدیدی در لبنان است و به بهانهٔ مساعدت به ارتش لبنان حضور نظامی خود را در آنجا حفظ کرده است.

از آنجائی که حمایت ارتش لبنان از مقاومت در برابر اسرائیل کمتر شده است، کمک نظامی امریکا به ارتش لبنان نیز بعد از ترور حریری به طرز چشمگیری افزایش یافت [۶].

پس از این ترور، ائتلاف هوادار سعودی و امریکا، معروف به ائتلاف ۱۴ مارچ تبدیل به نیروی مسلط سیاسی در لبنان شد. این تسلط بعد از انتخابات پارلمان در سال ۲۰۰۵ شکل گرفت که امریکا اصرار داشت تا دستاوردهای سیاسی ۱۴ مارچ به سرعت تقویت شود، همان نیروئی که دشمنان اپوزیسیونی هستند که در تسلط حزب الله است. به علاوه، ترور باعث ترک برداشتن روابط سعودی-سوری شد، چون اتهام ترور ابتداء متوجه سوریه بود، یعنی پیش از آن که امریکا و عواملش سر متهم نشان دادن حزب الله به توافق رسیده باشند. این امر باعث شد که سعودی ها، از نظر سیاسی، بهتر با اسرائیل و امریکا هماهنگ شوند و فشاری مضاعف بر حزب الله و هر شکلی از مقاومت نظامی علیه اسرائیل به وجود بیاید.

امریکا این طور حساب کرده بود که مساعدتش به ارتش لبنان، مردم لبنان را متقاعد خواهد کرد که ارتش صلاحیت دفاع از لبنان را به تنهایی دارد. البته فروش این پروژه تبلیغاتی امریکا دشوار بود. یک دلیل آن این است که امریکا هرگز برای ارتش لبنان اسلحه های واقعی تأمین نکرد. به جای تجهیز کردن نیروی هوایی کشور، هواپیماهای سسنا Cessna به ارتش داد که در کالیفرنیا برای سمپاشی غلات استفاده می شوند. همزمان ارتش لبنان نیز در مقابل تجاوزات اسرائیل در نقش حاشیه نشین قرار گرفت و این نیروهای حزب الله بودند که از کشور دفاع می کردند.

جنگ امریکا با حزب الله

جنگ امریکا با حزب الله - و متعاقباً با کل لبنان - پس از سال ۲۰۰۶، زمانی که داوطلبان حزب الله شکست مفتضحانه ای را بر اسرائیل تحمیل کردند، شدت گرفت. ضربه به دکتترین نظامی اسرائیل (پیروزی قطعی و سریع) چندان سخت بود که امریکا از تضعیف حزب الله و در نتیجه قدرت لبنان در دفاع از خود در برابر تجاوز گری اسرائیل، مأیوس شد. امریکا به طور پیوسته به اعمال تحریم ها [۷] بر لبنان پرداخت و رئیس بانک مرکزی لبنان، ریاض سلامه (که اکنون تبدیل به نماد سوء مدیریت و فساد مالی لبنان شده است) به عنوان ابزاری در خدمت برنامه عمل صهیونیستی در خزانه داری امریکا به کار گرفته شد. امریکا سلامه را مجبور کرد تا دو بانک اصلی در لبنان را به این بهانه که در خدمت منافع حزب الله بوده اند تعطیل کند - یکی بانک لبنانی-کانادائی [۸] در سال ۲۰۱۱ و دیگری در ابتدای همین سال، بانک اعتباری جمال Jammal Trust bank که یکی از معدود بانک های لبنان با مالکیت شیعی بود.

نمایندگان حزب الله در پارلمان قادر به گذاشتن پول هایشان در هیچ بانک لبنانی نبودند و سلامه و دیگر الیت بانکی، با فرمانبرداری بی چون و چرایشان از دستورات امریکا، خردنمائی می کردند.

امریکا لبنان را به طرق دیگر هم تنبیه می کند: از طریق رژیم های دست نشانده اش در خلیج. عربستان سعودی، و پس از آن بحرین و امارات، با ممنوعیت سفر شهروندانشان به لبنان، حزب الله را تنبیه کرده اند (عربستان سعودی اخیراً این ممنوعیت را برداشته است [۹]). علاوه بر اینها، مساعدت های خلیج به لبنان هم خشکیده است. در سال ۲۰۱۶، به اعلام ملک عبدالله، سعودی ها سه میلیارد دلار از کمک های خود از ارتش لبنان را پس کشیدند، به احتمال قوی به اصرار اسرائیلی ها و امریکا.

در بحران جاری [۱۰]، رژیم های خلیج در سکوت به تماشا نشسته اند چون فرمانی برای نجات لبنان دریافت نکرده اند (قیاس کنید با شتاب امارات و عربستان سعودی در نجات دادن منافع اقتصادی [۱۱] مصر تحت جنرال عبدالفتاح السیسی و همینطور جنرال عمر البشیر در سودان در سال آخرش). امریکا می خواهد که لبنان رنج بکشد و جلسه اخیر کنگره در مورد لبنان [۵] هم این موضوع را روشن کرد که واشنگتن خواهان چرخاندن اعتراضات علیه حزب الله است.

اما امریکا بازی پرمخاطره ای را پیش می برد. حزب الله می تواند خود را با فروپاشی نظم اقتصادی و سیاسی حاکم تطبیق دهد. اما برای منافع امریکا، که دهه هاست برای ساختن و حمایت از این نظم کار کرده است، این فروپاشی ضربه ای اساسی خواهد بود.

منتشر شده به تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۱۹، در Consortium news

لینک به نوشته

<https://consortiumnews.com/2019/12/04/the-angry-arab-u-s-role-in-lebanons-crisis-goes-unrecognized>

[۱] <https://www.reuters.com/article/us-lebanon-protests-hezbollah/hezbollah-accuses-u-s-of-meddling-in-lebanons-crisis-idUSKBN1XW1YO>

[۲] https://wikileaks.org/plusd/cables/06BEIRUT2703_a.html

https://en.wikipedia.org/wiki/1958_Lebanon_crisis [۳]

https://en.wikipedia.org/wiki/Madrid_Conference_of_1991 [۴]

<https://www.youtube.com/watch?v=E28EqH3S2Mw&feature=youtu.be> [۵]

[۶]

<https://www.middleeastmonitor.com/20190417-us-hands-lebanon-another-14-3m-in-military-aid/>

<https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm724>[۷]

[۸] <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg1057.aspx>

<https://gulfnews.com/world/gulf/saudi/saudi-arabia-lifts-ban-on-lebanon-travel-1.62068457>

[۹]

<http://tadarok.org/index.php/item/2124-2019-11-24-04-35-26>[۱۰]

[۱۱]

<https://www.middleeastmonitor.com/20190319-gulf-countries-supported-egypt-with-92bn-since-2011>